

پایان سکansı طولانی از

نمایش ناتمام "مذاکرات هسته‌ای"

روز دوم آوریل ۲۰۱۵ رسانه‌های امپریالیستی اعلام می‌کنند که وزیر امور خارجه‌ی کشورهای گروه ۵+۱ در مذاکره با وزیر امور خارجه‌ی رژیم جمهوری اسلامی در مورد چه‌گونه‌گی ادامه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای رژیم حاکم بر ایران به تفاهم رسیده‌اند و تا تاریخ ۳۰ ژوئن سال جاری متن توافق‌نامه‌ی قطعی را جهت تصویب نهائی تدوین خواهند کرد.

گروه ۵+۱ متشکل از پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه و کشور آلمان می‌باشد. این ۶ کشور، به عنوان قدرت‌مندترین کشورهای جهان، ظاهراً با یک موضع مشترک به مدت ۱۲ سال با رژیم جمهوری اسلامی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای‌اش به اصطلاح به مذاکره می‌پردازند و بدین ترتیب با فریب افکار عمومی جهانی در اولین منظر چنین وانمود می‌سازند که گویا رژیم حاکم بر ایران به عنوان رژیمی مستقل از این قدرت‌های جهانی، درصدد دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای است.

در تاریخ سیاست بین‌اقوام، یا بین ملل و یا بین دول، همواره زمانی "مذاکره" صورت گرفته است که طرفین مناقشه از قدرت تقریبی یکسانی برخوردار بوده‌اند و برای احتراز از هزینه‌های انسانی و مادی یک جنگ طولانی مدت، سعی کرده‌اند مسائل‌شان را از طریق مذاکره حل بکنند. حال، این رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی دارای کدام قدرت اقتصادی و نظامی است که قدرت‌مندترین کشورهای جهان از ترس دست‌یابی این رژیم به سلاح‌های هسته‌ای به مدت ۱۲ سال با آن به مذاکره بنشینند؟

هنگامی که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی رژیم جمهوری اسلامی که نقش دلچک این خیمه‌شب‌بازی را به عهده دارد، برای مصرف داخلی رژیم می‌گوید: "در جریان مذاکرات با گروه پنج به علاوه یک ما باور کردیم که آمریکا قدرقدرت نیست. اگر آمریکا قدرقدرت بود پای میز مذاکره با ایران نمی‌نشست. اما افتخار ما این است که با شش کشور مختلف مذاکره کنیم و نتوانند خواسته‌های‌شان را به ما تحمیل کنند" (مصاحبه‌ی زنده با شبکه‌ی اول رادیو تلویزیون دولتی رژیم حاکم بر ایران، ۴ آوریل ۲۰۱۵) دقیقن گوشه‌ای از این سمفونی جهانی را می‌نوازد!

پس از اعلام پایان سکانس لوزان، در اوائل آوریل سال جاری روزنامه‌ی آلمانی *Süddeutsche Zeitung* می‌نویسد: "علاوه بر بیانیه‌ی وزیرای امور خارجه، اسناد مورد توافق دیگری نیز وجود دارند که هنوز علنی نشده‌اند و در یک نشست محرمانه در دسترس نماینده‌گان کنگره‌ی آمریکا و اعضاء اتحادیه‌ی اروپا قرار خواهند گرفت."

بنابراین بازی اصلی، در پشت پرده‌ی این نمایش "مذاکرات هسته‌ای" در جریان است و این اسناد علنی نشده که به طور محرمانه در اختیار مقامات سیاسی امپریالیست‌های آمریکا و اروپا قرار خواهند گرفت، همان نتایج بازی پشت پرده‌ی "تئاتر مذاکرات" است.

باز هم، در عرف سیاست بین دول، پس از اعلام پایان هرگونه مذاکراتی، قاعدتن یک تفاهم‌نامه‌ی مشترک از سوی تمام دول شرکت‌کننده در مذاکرات منتشر می‌گردد و طی آن مفاد مورد مفاهمه به اطلاع افکار عمومی رسانده می‌شود. اما در این مورد خاص، سه متن مختلف به عنوان تفاهم‌نامه از سوی آمریکا، اروپا و ایران منتشر می‌گردد. مضافن این که علاوه بر این تفاهم‌نامه‌ها، اسناد علنی نشده‌ای وجود دارند که به طور محرمانه در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار خواهند گرفت.

قدرت‌های امپریالیستی جهان که با صحنه‌آرایی و اجراء نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، فعالیت‌های هسته‌ای در ایران را به مدت ۱۲ سال به مهم‌ترین مسئله‌ی افکار عمومی جهان مبدل ساختند و اکنون نیز طی انتشار این تفاهم‌نامه‌ها، چه‌گونه‌گی جزئی‌ترین موارد فعالیت‌های هسته‌ای رژیم حاکم بر ایران یعنی تعداد سانتریفیوژها، درصد غنی‌سازی، مقدار ذخائر اورانیوم و محل تأسیسات هسته‌ای را برای تمام جهانیان علنی می‌سازند، چه موارد دیگری برای‌شان باقی می‌ماند که آن‌ها را علنی نمی‌سازند و به طور محرمانه در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار می‌دهند؟

این که این "اسناد علنی‌نشده در یک نشست محرمانه در دسترس نماینده‌گان کنگره‌ی آمریکا و اعضاء اتحادیه‌ی اروپا قرار خواهند گرفت" به روشنی بیان‌گر این موضوع است که تفاهم واقعی میان آمریکا و اروپا از یک سو و روسیه از سوی دیگر، صورت گرفته است و برای هر کدام از شرکت‌های امپریالیستی منافع معینی در ایران در نظر گرفته شده است و از سوی هر کدام از این قدرت‌های امپریالیستی نیز جهت تأمین منافع‌شان، انجام وظائف معینی به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سپرده شده است.

پس از اعلام تفاهم در ۲ آوریل ۲۰۱۵ روسیه بلافاصله فعالیت‌های اقتصادی خود را که در نتیجه‌ی فشارهای آمریکا متوقف ساخته بود، مجدداً از سر می‌گیرد.

به گزارش رویترز، روز دوشنبه ۱۳ آوریل ۲۰۱۵ سرگئی ربابکوف، معاون وزیر امور خارجه‌ی روسیه اعلام می‌کند که روسیه در برابر نفت ایران، غلات و تجهیزات ساختمانی به ایران ارسال می‌کند و دفتر مطبوعاتی کرملین اعلام می‌کند که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با امضای مصوبه‌ای انتقال موشک‌های زمین به هوای اس-۳۰۰ به ایران را امکان‌پذیر ساخته است.

همچنین، راویل مگانوف، معاون شرکت "لوک اویل"، دومین شرکت بزرگ نفتی روسیه که از سال ۲۰۰۳ میلادی تحقیقات کارشناسی را در میدان نفتی اناران در غرب ایران آغاز کرده و در پی سیاست تحریم‌های اقتصادی آمریکا کار خود را متوقف کرده بود، روز چهارشنبه ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ اعلام می‌کند که این شرکت، دفتر نماینده‌گی خود را در ایران بازگشایی کرده و فعالیت‌های خود را مجددن آغاز خواهد کرد.

با این که مقامات دولت‌های غربی، در طی تشدید تضادهای درونی خود بارها اعتراف کردند که رژیم جمهوری اسلامی توانائی ساخت سلاح‌های هسته‌ای را ندارد و دارای هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای هم نیست، اما در بازی پشت پرده‌ی این تئاتر، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا در رقابت با سرمایه‌های امپریالیستی اروپائی و روسی چند هدف مشخص را دنبال می‌کردند.

یکی از این اهداف، متوقف ساختن فعالیت‌های سرمایه‌های غیرآمریکائی در ایران بود.

دولت آمریکا با وارد کردن سیاست تحریم دولت ایران به صحنه‌ی تئاتر مذاکرات، موفق می‌شود فعالیت بسیاری از شرکت‌های غیرآمریکائی را در ایران متوقف بسازد.

- در مارس ۲۰۰۶ فعالیت‌های تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفت و گاز غیرآمریکائی در ایران هم‌چون "استات اویل هیدروی" نروژ، "انی" ایتالیا، "شل" انگلیس و "توتال" فرانسه به نفع سرمایه‌های آمریکائی متوقف می‌شوند.

- در سال ۲۰۰۷ فعالیت شرکت "پتروبراس" برزیل در ایران متوقف می‌شود.

- در همین سال در راستای فشارهای خصمانه‌ی آمریکا، سومین بانک بزرگ آلمانی "درسدنر بانک" پس از قطع همکاری "دویچه بانک" و "کامرز بانک" مجبور می‌شود ارتباط مالی و تجاری خود را با ایران قطع بکند.

- در ادامه‌ی همین بازی، در سال ۲۰۱۲ دو بانک انگلیسی "استاندارد چارتر د بریتانیا" و "اچ.اس.بی.سی" و همچنین بانک سلطنتی اسکاتلند مجبور به پراخت جریمه به آمریکائی‌ها می‌شوند.

- در آغاز سال ۲۰۱۴ شرکت‌های روسی جهت فرار از سیاست‌های بانکی دولت آمریکا، طی مذاکراتی با رژیم حاکم بر ایران طرح مبادله‌ی پایاپای کالا به جای نفت را ارائه می‌کنند.
 - در آوریل ۲۰۱۴ هشت شرکت چینی با عنوان گروه شرکت سهامی بازرگانی و اقتصادی LIMMT از ادامه‌ی فعالیت در آمریکا محروم می‌شوند.
 - در ۲۹ مه ۲۰۱۴ روزنامه‌ی "والاستریت ژورنال" گزارش می‌دهد که آمریکا، بانک بزرگ فرانسوی "بی ان پی پاریباس" (BNP Paribas) را ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار جریمه کرده است و از اول ژانویه ۲۰۱۵ این بانک به مدت یک سال اجازه‌ی معامله با دلار را نخواهد داشت. این بالاترین جریمه‌ای است که تاکنون یک بانک خارجی در آمریکا مجبور به پرداخت آن شده است. در پی این اقدام آمریکا، لوران فابیوس، وزیر امور خارجه‌ی فرانسه اعلام می‌کند که "این کشور نمی‌تواند بپذیرد که آمریکا به عنوان یک شریک اقتصادی تنها بر اساس منافع خود عمل کند. این یک سوال کاملن جدی است که آیا آمریکا می‌خواهد بر اساس همکاری متقابل عمل کند و یا اقدام‌های یک جانبه."
 - روز پنج‌شنبه ۵ ژوئیه ۲۰۱۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا شرکت هواپیمائی هلندی "فوکر" را به پرداخت ۲۱ میلیون دلار جریمه محکوم می‌کند.
 - در ۷ نوامبر ۲۰۱۴ آمریکا بانک "توکیو میتسوبیشی" از ژاپن را به خاطر دور زدن تحریم‌های ایران به پرداخت جریمه‌ی ۳۱۵ میلیون دلاری محکوم می‌کند.
 - در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۵ خبرگزاری مهر در گزارشی از توقف پروژه‌ی "ایران ال‌ان‌جی"، تنها کارخانه‌ی تولید گاز مایع طبیعی (ال‌ان‌جی) در عسلویه خبر داد. به گفته‌ی علیرضا کاملی، مدیر عامل شرکت ملی صادرات گاز ایران، دلیل این توقف، عدم ارسال برخی تجهیزات فنی است که توسط یک شرکت آلمانی تهیه شده است و بدین ترتیب یک شرکت آلمانی نیز به نفع سرمایه‌های آمریکائی از غارت منابع ملی ایران کنار گذاشته می‌شود.
- چنانچه ملاحظه می‌شود یکی از اهداف اجراء این پرده از نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، محدود ساختن فعالیت‌های شرکت‌های غیر آمریکائی در ایران به نفع شرکت‌های آمریکائی بوده است که همواره ادامه داشته و هنوز هم ادامه دارد.
- یکی دیگر از اهداف شومی که سرمایه‌های غربی به موازات اجراء تئاتر مذاکرات دنبال می‌کردند بحران سازی و تشدید بحران در منطقه‌ی خاورمیانه بود که زمینه را برای چند لشکرکشی امپریالیستی

و حضور نظامی مستقیم ارتش‌های امپریالیستی در منطقه و صادرات محموله‌های عظیم سلاح به کشورهای این منطقه را فراهم ساخت.

یکی دیگر از کارکردهای این نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، گسترش و تقویت این توهم بود که گویا تمام مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود در ایران نتیجه‌ی دشمنی قدرت‌های غربی با این رژیم است. با این که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی محصول توافق و تصمیم قدرت‌های غربی بود، ولی از آغاز مأموریت خویش، همواره این توهم را در میان توده‌های تحت ستم ایران دامن زده است و این بار نیز به همراه اربابان خود، با پیش‌برد نمایش "مذاکرات هسته‌ای" این توهم را هرچه بیش‌تر دامن زده و تقویت نموده است.

همان‌طور که گفته شد در پشت پرده‌ی تئاتر "مذاکرات هسته‌ای"، سناریوئی محرمانه و غیرعلنی در حال تنظیم شدن بوده است.

بر اساس این سناریو، پس از پایان شعبده‌بازی مذاکرات، رژیم حاکم بر ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای از قوطی بیرون برآمده و از این پس نه فقط نقش ژاندارم خلیج، بلکه نقش ژاندارم کل منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای مرکزی را برای شرکت‌های آمریکائی ایفاء خواهد کرد.

روز دوشنبه ۲۰ آوریل ۲۰۱۵ روزنامه‌ی نیویورک تایمز مطلبی را با عنوان "پیامی از ایران" از محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی منتشر می‌سازد.

دلچسپی خیمه‌شب‌بازی مذاکرات می‌گوید: "ایران برای تعامل سازنده بسیار فراتر از موضوع هسته‌ای آماده‌گی دارد و مایل است برای حل مشکلات منطقه‌ی خلیج فارس و اطراف آن با صاحبان منافع در منطقه همکاری کند. موضوع هسته‌ای، عارضه‌ی بی‌اعتمادی و تضاد است و نه دلیل آن. با توجه به پیش‌رفت‌های اخیر که در مهار این عارضه به دست آمده، وقت آن است که ایران و سائر صاحبان منافع در منطقه‌ی خلیج فارس و اطراف آن توجه خود را به عوامل بروز تنش در این منطقه معطوف کنند. ما چنین امکانی را داریم که ... به بحران ساخته‌گی فعلی پایان دهیم، تا بتوانیم به کارهای مهم‌تری که باید انجام شوند پردازیم. در حال حاضر، منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس در ناآرامی به سر می‌برد. اینک زمان آن رسیده است که ایران و دیگر کشورهای منطقه به ریشه‌های اصلی بی‌اعتمادی و تنش در منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس پردازند. در هیچ نقطه‌ای از دنیا اهمیت این ساز و کارها مشهودتر از منطقه‌ی خلیج فارس نیست. یکی از موضوعات ضروری و فوری در میان فجایع جاری در منطقه ما یمن است." (تاکیدها از ماست)

همان طور که ملاحظه می‌شود این دلک‌ خیمه‌شب‌بازی، زمینه‌سازی ذهنی را برای نقش رژیم حاکم بر ایران پس از پایان این سکنس طولانی از نمایش "مذاکرات هسته‌ای" آغاز کرده است و دقیقن به این موضوع می‌پردازد که مأموریت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از این پس حفظ منافع صاحبان منافع در منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس خواهد بود.

همچنین روز سه‌شنبه ۲۸ آوریل ۲۰۱۵ "فدریکا موگرینی"، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا نیز این موضوع را تأیید کرده و می‌گوید: "موفقیت مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، موجب تقویت نقش منطقه‌ای ایران خواهد شد."

بنابراین، "مذاکرات هسته‌ای" میان نماینده‌گان گروه ۵+۱ و رژیم حاکم بر ایران صرفن حول فعالیت‌های هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی صورت نگرفته است، بلکه "نقش منطقه‌ای ایران" نیز مورد مذاکره بوده است و نتایج مذاکره حول این موضوع نیز همان اسناد محرمانه و غیرعلنی هستند که در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار گرفته است و این موضوع، یک‌بار دیگر سرسپرده‌گی همه‌جانبه‌ی رژیم حاکم بر ایران را به اربابان امپریالیست‌اش به‌عینه نشان می‌دهد.

سرمقاله‌ی نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۲۸، تیر ۱۳۹۴

بازگشت